

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

همانطور که عرض شد صاحب عروءه در اول هر فصلی از عروءه به عنوان تفریع بر فروع اصولی را ذکر می کند که آنها مبادی مسائل می باشند و بعد فروعی را بر آن مبادی و اصول تفریع می کند، هر قدر که فرع بیشتری ذکر شود مطلب روشن تر می شود و اجتهاد به یک معنی همین می باشد که فقیه قدرت تفریع فروع را بر آن اصول داشته باشد ولی کار ما این است که آن فروع را به اصول بر می گردانیم یعنی می خواهیم ببینیم آن فروعی که ایشان ذکر کرده اند با آن اصولی که در ذهن ما هست منطبق می باشد یا نه و به چه کیفیتی به آن اصول باز می گردد و کجا مطابق است و کجا مطابق نیست، خلاصه ایشان تفریع بر فروع کرده اند و ما در بحثمان هم سعی می کنیم بفهمیم که چگونه تفریع فروع شده و هم اینکه چگونه ما باید این فروع را به آن اصول بازگردانیم.

اما مسئله ۱۸ این است که: «لو أصبح يوم الشك بنية الإفطار ثم بان له أنه من الشهر فإن تناول المفطر وجب عليه القضاء، و أمسك بقية النهار وجوباً تأديباً، و كذا لو لم يتناولوه ولكن كان بعد الزوال، و إن كان قبل الزوال و لم يتناول المفطر جدد النية و أجزأ عنه». اگر شخصی بدون قصد روزه و با نیت افطار يوم الشك را صبح کرد و بعد از اینکه چند ساعتی از روز گذشت متوجه شد که امروز روز اول رمضان بوده سه صورت ایشان در اینجا ذکر کرده اند؛ اول اینکه این شخص افطار کرده یعنی مفطری انجام داده و بعد معلوم شده که ماه رمضان بوده که در اینجا واجب است که قضای آن روز را بجا بیاورد ولی حالا که معلوم شده اول رمضان است واجب است که تأدیباً تا پایان روز امساک کند، پس در اینجا دو مطلب وجود دارد اول وجوب قضا و دوم وجوب امساک تا پایان روز، دلیل اولی که روشن است چون که شخصی افطار عمدی کرده و دیگر نمی توانیم چیزی را به حساب روزه بگذاریم چون حساب روزه آن است که از طلوع فجر تا غروب آفتاب امساک کرده باشد که در اینجا این چنین نیست فلذا باید بعداً قضای آن روز را بجا بیاورد، اما در مطلب دوم که فرموده اند باید تأدیباً امساک کند مورد بحث است چون خیلی ها هستند وقتی که روزه را قضا می کنند دیگر امساک برای آنها واجب نیست مثل مریض که داروهای خود را هم پیش از ظهر و هم بعد از ظهر می خورد و یا

مثل مسافر که روزه اش را می خورد و قضایش را بعداً بجا می آورد اما این آدم بایستی هم الآن امساک کند و هم بعداً قضایش را بجا بیاورد حالا می خواهیم ببینیم که دلیل وجوب امساک در اینجا چیست؟ دلیل این مطلب برمی گردد به آن روایتی که قبلاً در مسئله ۱۲ خواندیم، در آنجا خواندیم که در زمان پیغمبر (ص) أصبح الناس مردم صبح کردند در حالی که روزه نگرفته بودند بعد شاهد اعرابی که امروز رمضان است، پیغمبر (ص) فرمودند کسی که چیزی نخورده فلیصم و کسی که چیزی خورده فلیمسک، خوب این روایت از لحاظ دلالت خیلی خوب می باشد و بسیار روشن است. گفتیم که این روایت را هم محقق در معتبر نقل کرده و هم در کتب عامه ذکر شده که از جمله کتب عامه که این روایت در آن نقل شده سنن بیهقی بود و البته گفتیم که ادعای اجماع هم در این مسئله شده و شیخ در خلاف و علامه در منتهی ادعای اجماع کرده اند و ظاهراً عمده دلیل در این مطلب اجماع می باشد چرا که آن روایت اعرابی عامی و مرسل می باشد. آیت الله خوئی در مستند العروءه در مسئله ۱۲ این روایت را قبول نکردند و فرمودند که این روایت عامی است و مرسل است فلذا در اینجا هم ایشان اشکال می کنند و می گوید که ما دلیلی بر وجوب امساک تا غروب تأدیباً نداریم منتهی در مسئله اجماع وجود دارد و کسی مخالف آن نیست. پس هم در مسئله اجماع وجود دارد و هم آن روایت عامی که خواندیم دلیل بر امساک می باشد، که البته آقای خوئی در اینجا اجماع را قبول کرده اند و معتبر دانسته اند و ایشان علاوه بر اجماع یک دلیل دیگر هم دارند و آن اینکه ما در بحث جماع داریم که اگر کسی در روز ماه رمضان جماع کرد تا غروب امساک کند در اینجا ما می توانیم بگوئیم که این مطلب مخصوص جماع نیست بلکه هر کسی مفطری را انجام داد امساک واجب است إلا ما خرج بالدلیل، و لکن در نظر ما همان اجماع و اتفاق علماء و عمل مشهور به آن خبر اعرابی معتبر می باشد.

صورت دوم آن است که شخص چیزی نخورده باشد که خود این دو صورت پیدا می کند اول اینکه نخورده و بعد از ظهر بان آنها من الشهر و دوم اینکه نخورده و قبل از ظهر بان آنها من الشهر، اگر چیزی نخورده و قبل از ظهر بان آنها من الشهر کافی است و می تواند نیت روزه کند و دلیلش را هم در مسئله ۱۲ ذکر کردیم و آن اینکه اولاً اصل اولی در کتاب صوم روزه گرفتن از طلوع فجر تا غروب با نیت می باشد یعنی شرعاً روزه به این صورت تحقق پیدا می کند منتهی در بعضی از جاها شارع مقدس ارفاقاً روزه هایی را که به این صورت

أما مسئله ۲۰: «لو صام بنية شعبان ثم افسد صومه برياء و نحوه لم يجزه من رمضان و إن تبين له كونه منه قبل الزوال». اگر به قصد شعبان روزه بگیرد ولی آن روزه را به ریاء و امثال آن باطل کند دیگر این روزه به درد نخواهد خورد و مجزی نخواهد بود حتی اگر قبل از ظهر بفهمد که امروز رمضان بوده چون همانطور که قبلاً عرض کردیم روزه آن است که از طلوع فجر تا مغرب با قصد قربت امساک کند یعنی مجموع این روزه وکل آنات آن باید با قصد قربت انجام شود در حالی که این شخص بعضی از آنات را با قصد ریاء انجام داده و آن عام مجموعی را به هم زده که این منافی با قصد قربت می باشد.

أما مسئله ۲۱: «إذا صام يوم الشك بنية شعبان ثم نوى الإفطار و تبين كونه من رمضان قبل الزوال قبل أن يفطر فنوى صح صومه، و أما إن نوى الإفطار في يوم من شهر رمضان عصياناً ثم تاب فجدد النية قبل الزوال لم يتعد صومه، وكذا لو صام يوم الشك بقصد واجب معين ثم نوى الإفطار عصياناً ثم تاب فجدد النية بعد تبين كونه من رمضان قبل الزوال». اگر يوم الشك را به نیت شعبان روزه گرفت و بعد از قصدش برگشت و نیت کرد که افطار کند و اتفاقاً قبل از ظهر معلوم شد که آن روز جزء رمضان است اگر قبل از اینکه افطار کند دوباره نیت صوم کند روزه اش صحیح است، اما اگر در ماه رمضان عصياناً قصد کرد که روزه اش را بخورد ولی بعد توبه کرد و نیتش را تجدید کرد دیگر روزه اش صحیح نیست و منعقد نخواهد شد که بعداً دلائل این فرع را عرض خواهیم کرد و اصل این بحث بر می گردد به نیت قطع و قاطع که در مسئله بعدی مفصلاً مطرح خواهد شد، بعد ایشان در پایان این مسئله می فرمایند که همچنین لم يتعد صومه اگر در يوم الشك به نیت واجب معين مثل نذر معين روزه گرفت و ثم نوى الإفطار عصياناً ثم تابی فجدد النية بعد تبين كونه من رمضان قبل الزوال.

این مسئله را مطالعه کنید تا فردا درباره آن بحث کنیم انشاء الله

و الحمد لله رب العالمين اولاً و آخراً و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين

نبوده پذیرفته و ما هم تابع دلیل می باشیم مثل مسافر که پیش از ظهر وارد وطنش می شود و مفطری هم انجام نداده که در اینجا می تواند نیت صوم کند و یا مثل مریض که پیش از ظهر خوب شود، بعد باید عرض کنیم که ما در مسئله ۱۲ سه صورت فرض کردیم یک صورت این بود که در روزه واجب معين آخرین وقت برای نیت کردن طلوع فجر می باشد که البته در اینجا یک استثناء هم داشتیم و آن درباره شخص ناسی و جاهل بود که می توانست تا قبل از ظهر نیت کند ولی عالم و عامد باید در همان طلوع فجر نیت کند، که البته آیت الله خوئی در جاهل و ناسی هم اشکالی داشتند که نقل شد، صورت دوم در واجب غیر معين مثل نذر و قضاء و كفارة بود که در اینجا صاحب عروة فرمودند که تا ظهر برای نیت کردن وقت دارد و ما روایات فراوانی از باب دوم به عنوان دلیل برای این مسئله ذکر کردیم، صورت سوم در صوم مندوب بود که عرض کردیم حتی تا پنج دقیقه مانده به غروب برای نیت کردن وقت دارد البته به شرطی که مفطری انجام نداده باشد. صاحب عروة در این مسئله هم بحث را طبق همان مبنایی که در مسئله ۱۲ داشتند مطرح کرده اند و می گویند کسی که چیزی نخورده اگر پیش از ظهر بفهمد که ماه رمضان است کافی است و می تواند نیت صوم کند اما اگر بعد از ظهر بفهمد باید امساک کند و بعداً قضایش را هم بجا بیاورد بنابراین ایشان سه فرع در مسئله مطرح کردند که یک به یک عرض شد.

اما مسئله ۱۹: «لو صام يوم الشك بنية أنه من شعبان ندبا أو قضاء أو نحوهما ثم تناول المفطر نسياناً و تبين بعده أنه من رمضان أجزأ عنه أيضاً، ولا يضره تناول المفطر نسياناً، كما لو لم يتبين و كما لو تناول المفطر نسياناً بعد التبين». قبلاً عرض کردیم که با توجه به استصحاب میسر که يوم الشك جزء شعبان باشد، حالاً اگر کسی در يوم الشك قصد کرد که به نیت شعبان ندبا یا قضاء أو نحوهما روزه بگیرد ثم تناول المفطر نسياناً و بعد معلوم شد که آن روز رمضان بوده أجزأ عنه، ما روایات فراوانی داریم که اگر روزه دار نسياناً چیزی بخورد ضرری به روزه اش نمی رسد که این روایات عام است و شامل تمامی اقسام روزه می شود فلذا در اینجا هم لا يضره تناول المفطر نسياناً چونکه روایات فراوانی در این رابطه داریم، بعد ایشان در انتهای مسئله می فرمایند که؛ كما لم يتبين وكما لو تناول المفطر نسياناً بعد التبين، پس افطار نسياناً در هیچ موردی مبطل روزه نیست.